بسم الله الرحمن الرحیم

گزارش نشست هم‌اندیشی «طرح ایران در تقابل با نظام سلطه»

نشست هم‌اندیشی با موضوع «طرح ایران در تقابل با نظام سلطه» روز ۱۲ آبان ۱۴۰۵ با مشارکت پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت ، در مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی برگزار شد. در این نشست، استاد فلاح شیروانی به ارائه دیدگاه‌های خود درباره خاستگاه و سازوکارهای نظام سلطه و طرح راهبردی جمهوری اسلامی برای مواجهه با آن پرداخت. آقایان مهدی افراز و علی مهدیان نیز در جایگاه ناقد و صاحب‌نظر، به تبیین اهمیت صورت‌بندی کلان بحث و طرح نکاتی برای تکمیل و گسترش آن پرداختند.

استاد فلاح شیروانی بحث خود را با ترسیم روایتی تاریخی از شکل‌گیری استعمار آغاز کرد. در این روایت، یکی از ویژگی‌های مهم اندیشه رهبر انقلاب آن است که اسلام و تحولات جهان را در افقی تمدنی می‌نگرد و استعمار را نه پدیده‌ای مقطعی، بلکه بخشی از یک روند تاریخی و کلان تحلیل می‌کند. بر این اساس، استعمار با مجموعه‌ای از تحولات فکری و تاریخی در غرب پیوند خورده است؛ از جمله کج‌روی‌های دینی در مسیحیت، شکل‌گیری اومانیسم، دین‌گریزی و سپس توجه فزاینده به علم مدرن.

در این صورت‌بندی، علم و دستاوردهای مدرن به‌خودی‌خود تمام ماجرا نیستند؛ مسئله هنگامی شکل می‌گیرد که علم و پیشرفت با خصلت سلطه‌جویانه پیوند بخورند و به ابزاری برای گسترش قدرت و نفوذ تبدیل شوند. استاد فلاح، استعمار را حاصل پیوند میان این ظرفیت‌ها و «خوی سلطه‌جویی» دانست؛ روندی که در کنار بهره‌گیری از علم و پیشرفت، دسترسی دیگر ملت‌ها به آن را نیز محدود می‌کرد. به‌گفته او، نیرنگ نیز در ادامه به این سازوکار افزوده شد: استعمارگران خود را خواهان پیشرفت دیگر کشورها نشان می‌دادند، در حالی که غارت و تأمین منافع خویش را دنبال می‌کردند.

استاد فلاح، تحول استعمار را از شکل آشکار و قدیمی آن، به صورت‌های پنهان‌تر و سپس به مرحله‌ای توصیف کرد که در آن، نیروهای داخلی و حتی خود مردم ممکن است در مسیر تضعیف جامعه خویش قرار گیرند. به باور او، حاصل استمرار این روند، شکل‌گیری نظمی جهانی است که انقلاب اسلامی از آن با عنوان «نظام سلطه» یاد می‌کند.

در ادامه، استاد فلاح بر ضرورت ایستادگی در برابر این نظم تأکید کرد. او گفت بشر در دوره‌های مختلف تلاش‌هایی برای مقابله با سلطه داشته، اما این تلاش‌ها با شیوه‌های گوناگون، از جمله تزویر و موج‌آفرینی‌های سیاسی، مهار شده‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر آنچه استاد «عقل قدسی» خواند، توانست «نه»ای بزرگ به نظام سلطه بگوید و برای پای ایستادن بر این موضع، طرحی راهبردی ارائه کند.

در صورت‌بندی نخست استاد فلاح، این طرح شش محور اصلی دارد:

۱. مقاومت به‌مثابه مکتب و سبک زندگی: مقاومت صرفاً تاکتیکی سیاسی یا واکنشی مقطعی نیست؛ بلکه ذیل مفهوم «جهاد کبیر» می‌تواند به تولید انسان و زندگی جدید بینجامد. برای گسترش چنین برداشتی، نظام آموزشی، فرهنگی و گفتمانی پشتیبان ضرورت دارد.

۲. چالش هوشمند و مستمر با نظام سلطه: مواجهه با سلطه باید در عرصه‌های گوناگون و با تدبیر، صبر و پرهیز از شتاب‌زدگی دنبال شود. این چالش تنها به عرصه بین‌المللی محدود نیست و ابعاد فکری و فرهنگی درون جوامع اسلامی را نیز دربرمی‌گیرد.

۳. شکل‌دهی به هویت جمعی بین‌المللی: هدف، صرفاً نمایش قدرت یا پیروزی یک کشور نیست؛ بلکه باید زمینه شکل‌گیری اراده‌ای گسترده و عمومی در میان ملت‌ها فراهم شود. در این چارچوب، استاد فلاح بر اهمیت پایداری و خستگی‌ناپذیری در مسیر مبارزه تأکید کرد.

٤. کانونیت ایران اسلامی: ایران در این طرح، کانون و محور اصلی مقاومت معرفی می‌شود؛ ازاین‌رو، کیفیت باورها، سبک زندگی و توان حکمرانی در ایران اهمیت راهبردی پیدا می‌کند.

۵. تشکیل جبهه مقاومت: جبهه مقاومت، در این صورت‌بندی، ابزاری برای بازآرایی و تغییر نظم جهانی است و از ظرفیت‌های فکری و فرهنگی اسلامی نیرو می‌گیرد.

٦. ساختن ایران قوی و پیشرفته: در کنار سویه‌های سلبیِ مبارزه با سلطه، پیشرفت کشور اقدامی ایجابی و مؤثر به شمار می‌آید. استاد فلاح، پیشرفت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، نظامی، صنعتی و حقوقی را نشانه ظرفیت‌های موجود در مکتب انقلاب دانست و آن را متکی بر اراده ملی و مردم‌سالاری توصیف کرد.

استاد فلاح در ادامه توضیح داد که این طرح شش‌گانه، تنها بخشی از منظومه‌ای گسترده‌تر است و نباید آن را تمام طرح انقلاب اسلامی برای مواجهه با نظام سلطه تلقی کرد. او برای تبیین این افق بزرگ‌تر، سه سطح را از یکدیگر متمایز کرد: نخست، سطح تقابل و مواجهه با سازوکارهای سلطه؛ دوم، سطح نظم‌سازی و نقش‌آفرینی در شکل‌گیری نظم جهانی آینده؛ و سوم، سطح تمدن‌سازی، که در آن، مسئله از تغییر مناسبات قدرت فراتر می‌رود و به تحول در وضعیت انسان و جامعه، عدالت، معنویت، کرامت و تأسیس تمدن نوین اسلامی می‌رسد. بر این اساس، مقاومت، استقلال و پیشرفت، اجزای یک پروژه بزرگ‌ترند و نه غایت نهایی آن.

آقای مهدی افراز، پرداختن به طرح راهبردی را خود از اولویت‌های اساسی دانست. به اعتقاد او، جامعه و حتی برخی کنشگران حاضر در میدان، گاه از تصویر کلانِ غایت و آرمانی که در پی تحقق آن هستند برخوردار نیستند. در نتیجه، ضرورت دارد روایت بزرگی از مبارزه انقلاب اسلامی و تحولی که این انقلاب در سطح بشری دنبال می‌کند، صورت‌بندی شود.

آقای افراز توضیح داد که ترسیم طرح کلان می‌تواند زمینه و پشتوانه‌ای برای «روایت فتح» در مواجهه با رویدادها و مسائل جزئی باشد. هنگامی که تصویر روشنی از مسیر و مقصد وجود نداشته باشد، فهم نسبت میان اقدامات روزمره و غایت کلی دشوار می‌شود و این پرسش پدید می‌آید که آیا در مسیر مبارزه، واقعاً در حال پیشروی و پیروزی هستیم یا نه. او با اشاره به گزاره‌هایی درباره ناکام‌ماندن طرح‌های آمریکا در دهه‌های گذشته، تأکید کرد که فهم چنین تجربه‌هایی بدون داشتن چارچوبی کلان و راهبردی ممکن نیست. ایشان، یکی از امتیازهای ارائه استاد فلاح را نگاه کلان و راهبردی آن دانست؛ نگاهی که به‌جای محدودماندن در سطح سیاست‌گذاری‌های جزئی، نسبت طرح جمهوری اسلامی با صحنه بین‌المللی را نشان می‌دهد. او همچنین اهمیت آن را در پیوند دادن مقاومت با پیشرفت و دولت‌سازی برجسته کرد؛ پیوندی که به‌گفته او، در بسیاری از طرح‌ها به‌روشنی دیده نمی‌شود.

در عین حال، افراز پرسش‌هایی را برای تکمیل بحث مطرح کرد: مواجهه انقلاب اسلامی با ساحت‌های نرم تمدن آمریکایی، مانند علم و فرهنگ، چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ چه نسبتی با علم غربی و جریان‌های غرب‌گرا در جهان اسلام برقرار شده است؟ او بر ضرورت روشن‌شدن این ابعاد در کنار ساحت‌های سیاسی و امنیتی تأکید کرد.

افراز همچنین پیشنهاد داد ساحت‌های گوناگون مبارزه با سلطه، از جمله تولید فناوری، گفتمان‌سازی و ایجاد سازوکارهای اجتماعی، در طرح برجسته‌تر شوند. او به «فناوری اجتماعات و بعثت مردمی» اشاره کرد و یادآور شد که حتی تداوم حضور و باقی‌ماندن یک جریان در صحنه نیز می‌تواند وجهی از مبارزه باشد. همچنین، جذابیت جبهه مقاومت برای گروه‌های متنوع، از جمله اهل سنت، و ناکام‌ماندن برخی پروژه‌های آمریکا در کشورهای منطقه، از موضوعاتی بود که به‌نظر او می‌توانست در تحلیل طرح جایگاه روشن‌تری پیدا کند.

یکی دیگر از محورهای مورد تأکید افراز، نشان‌دادن نقش الهی در رخدادها و تجربه‌های مبارزه بود. او پیشنهاد کرد در روایت این مسیر، نسبت میان کنش انسانی، کاستی‌های موجود، پایبندی به سنت‌ها و حضور و یاری الهی نیز تبیین شود؛ به‌گونه‌ای که نقش خداوند در فهم حوادث و پیروزی‌ها از نظر دور نماند.

حجت الاسلام و المسلین علی مهدیان، بحث خود را از وضعیت ذهنی جامعه آغاز کرد و بر وجود آشفتگی و تشتت در ذهن بخشی از مخاطبان تأکید گذاشت. به‌گفته او، موضوعاتی مانند سلاح هسته‌ای، نسبت ایران و یمن و بی‌اعتمادی به مسئولان، نمونه‌هایی از مسائل متنوعی هستند که در فضای عمومی ذهن‌ها را درگیر می‌کنند. در چنین شرایطی، نیاز به روایتی توانمند وجود دارد که صحنه را درست ببیند، نسبت میان رخدادها را توضیح دهد و به سامان‌یافتن این آشفتگی کمک کند.

مهدیان با اشاره به اینکه استعمار در پی ساختن جهانی است که ملت‌ها در آن زندگی کنند، یادآور شد که جامعه ایران نیز از این فرایند آسیب دیده است. از نگاه او، فضای کنونی را باید در پرتو جنگ شناختی و تأثیر آن بر وضعیت روانی جامعه فهم کرد. یکی از نشانه‌های این وضعیت، فاصله‌گرفتن بخشی از نگاه عمومی از نگاه رهبران جامعه است؛ فاصله‌ای که ضرورت بازسازی روایت و تقویت توان تبیین را برجسته می‌کند.

او همچنین به اهمیت «نگاه جامع، عمیق و کلان» اشاره کرد و چالش ذهنی جامعه را مسئله‌ای جدی دانست. در این چارچوب، مهدیان پرسش‌هایی را درباره شیوه شکل‌گیری کنش جمعی و امکان برانگیختن اراده عمومی مطرح کرد و بر ضرورت توجه به دغدغه‌های ذهنی مردم در طراحی روایت‌های اجتماعی و سیاسی تأکید گذاشت.

مجموع بحث‌های نشست نشان داد که صورت‌بندی طرح ایران در برابر نظام سلطه، افزون بر تبیین راهبردهای سیاسی و بین‌المللی، می‌تواند به فهم نسبت میان مقاومت، پیشرفت، دولت‌سازی و تمدن‌سازی کمک کند. تأکید مشترک ارائه‌دهنده و حاضران بر ضرورت داشتن تصویری کلان از مسیر مبارزه، از یک‌سو به اهمیت بازخوانی منسجم تجربه‌های انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت اشاره داشت و از سوی دیگر، نیاز به روایت‌گری دقیق و پاسخ‌گو به آشفتگی‌های ذهنی جامعه را برجسته کرد.

در پایان، پیشنهاد شد طرح راهبردی انقلاب اسلامی در سه سطحِ تقابل با نظام سلطه، نقش‌آفرینی در نظم جهانی و تحقق افق تمدنی بررسی شود؛ ضمن آنکه در پژوهش‌های آتی، میان آنچه در بیانات و اسناد به‌صراحت آمده و آنچه از ترکیب و تحلیل

آن‌ها استنباط می‌شود، تفکیک روش‌مند صورت گیرد. چنین رویکردی می‌تواند به روشن‌ترشدن ابعاد گوناگون طرح و فراهم‌آمدن زمینه‌ای برای روایت دقیق‌تر از تجربه‌ها و چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی بینجامد.